

دانشگاه قم

دانشکده الهیات (فلسفه و کلام اسلامی)

کرسی نظریه پردازی علمی - ترویجی دانشگاه قم

باز تعریف مفهوم نظم

فرح رامین

اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

باز تعریف مفهوم نظم*

مقدمه

واژه خدا دیرپاترین واژه تاریخ است و از میان براهین اثبات خدا، برهان نظم، نوری است که در سیاه‌چاله‌های کفر و الحاد، همه کس را حتی ناخودآگاه به سمت مبدأ هستی رهنمون می‌نماید. این برهان در آراء فیلسوفان پیش از سقراط و تبیین‌های روشن‌تری از آن در فلسفه افلاطون و ارسطو یافت می‌شود. توماس اکوئیناس در قرون میانه آن را به صورت منسجم مطرح نمود و بعد از رنسانس و انقلاب علمی، فیزیک‌دانانی چون کپلر، گالیله، بویل و نیوتن، فیزیک را راهی برای مطالعه آثار خداوند دانستند. ویلیام پیلی، مشهورترین تقریر تمثیلی این استدلال را ارائه کرد و سرانجام در قرن بیستم، تقریرهای استقرایی با تکیه بر کیهان‌شناسی نوین، براهین «تنظیم دقیق» را در این راستا مطرح نمودند. در فلسفه و کلام اسلامی نیز از دیرباز به این استدلال توجه شده و تقارب محتوای آن با مضامین وحی بر اهمیت آن افزوده است. متفکرانی چون ابن‌رشد، فخر رازی، تفتازانی، غزالی و در دوره معاصر علامه طباطبایی، شهید مطهری و شهید صدر به این استدلال پرداخته‌اند.

با وجود امتیازهای فراوانی که این برهان دارد، فیلسوفان و متکلمان درباره ماهیت، مبادی، مقدمات و نتایج این برهان اتفاق نظر ندارند. بسیاری از اختلاف‌ها، نشأت گرفته از ابهام در مبادی تصویری برهان نظم به خصوص مفهوم و اقسام نظم است. آدمی نظم را به گونه‌ای اجمالی می‌شناسد و می‌تواند تفاوت نظم را با بی‌نظمی درک کند، اما تعریف و چپستی مفهوم نظم کار دشواری است که باید بدان پرداخته شود تا در تعیین مصادیق این مفهوم اشتباهی رخ ندهد.

در این نوشتار سعی شده به اختصار اجزاء مفهومی واژه نظم تبیین گردد و به برخی از اقسام آن اشاره شده و بعد از ارزیابی و نقد دیدگاه‌های متفکران معاصر در این باب، نظم مورد نظر در برهان نظم پیشنهاد گردیده است.

۱. تعریف نظم

نظم در علوم متفاوت، معانی گوناگونی دارد. نظم در روان‌شناسی، حقوق، اقتصاد، اخلاق و... باید متناسب با همان رشته علمی تعریف گردد. در این طرح، ما به دنبال تعریف نظم در الهیات هستیم. نظم مفهومی قیاسی و نسبی است که در سنجش دو یا چند چیز با هم در

* فرح رامین، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه قم؛ farah.ramin@yahoo.com (این طرحنامه خلاصه‌ای از مقاله علمی - پژوهشی چاپ شده در مجله معرفت کلامی

در پاییز سال ۱۳۹۵ می‌باشد)

شرایط خاص، این مفهوم انتزاع می‌شود. نظم معقول ثانی فلسفی است که ما به ازاء مستقل خارجی ندارد، ولی منشأ انتزاع دارد و در خارج به عین وجود منظوم موجود است.

نظم در لغت به معنای، سامان، آرایش و در معنای مصدری یعنی جمع کردن و سامان دادن است. معادل این واژه در زبان انگلیسی order می‌باشد. از میان تعاریف اصطلاحی این مفهوم به دو مورد اشاره می‌کنیم:

۱. تناسب یا هم‌آهنگی هدفدار نظم است (آلستون)
 ۲. نظم، هم‌آهنگی میان چند عنصر یا عضو است، هم‌آهنگی در مقابل هرج و مرج، مفهومی آشکار دارد و همواره بین چند امر در ارتباط با یک هدف و غرض است (جوادی آملی)
- در میان تمام تعاریف مذکور سه رکن اساسی برای مفهوم نظم برشمرده می‌شود: مؤلف بودن، هم‌آهنگی و هدفداری.

۱.۱. مؤلف بودن

برخی ادعا کرده‌اند مجموعه مؤلف عبارت است از جمعی از اجزاء و افراد که از آنها سلب هویت نشده باشد، بلکه در عین استقلال هویت با یکدیگر همکاری دارند. لذا در ترکیبات فیزیکی می‌توان از نظم سخن گفت اما در مرکب شیمیایی که وحدت حقیقی یافته و مرکب، اجزاء در او هویت را از دست داده‌اند و خاصیت آن برآیند خاصیت اجزاء نیست نمی‌توان از نظم سخن گفت. بنابراین مولکول آب به تنهایی و تا آن‌جا که مرتبط با یک امر واحد است، نمی‌تواند منشأ مفهوم نظم باشد.

نقد و بررسی:

۱. نام نظم بر خواص طبیعی اشیاء اطلاق نمی‌گردد؛ بلکه خود شی که دارای این خواص است، منظم نامیده می‌شود.
۲. نظم بر صورت نوعیه واحد اطلاق نمی‌گردد؛ بلکه اجزاء ماهوی آب و علل داخلی (جنس و فصل) نظمی داشته‌اند که این صورت نوعیه را ایجاد کرده‌اند.
۳. باید دقت شود که برهان نظم نه بر مفهوم نظم بلکه بر واقعیت نظم مبتنی است.

۲.۱. هم‌آهنگی

اجزاء مجموعه نسبت به تحقق هدف باید از جهات متعددی چون جنس، کمیت، کیفیت، مکان و زمان هم‌آهنگی داشته باشند. هم‌آهنگی شرط حصول نظم است؛ اما هر آرایشی لزوماً محصول تدبیر و برنامه‌ریزی نیست. هم‌آهنگی می‌تواند از اتفاق و تصادف برآید، مانند مهره‌هایی که پرتاب می‌شوند و ترتیبی تصادفی می‌یابند (تصادف در این‌جا به معنای نفی علت غایی و نه علت فاعلی). نفی علت

فاعلی، به نفی قانون علیت عامه منجر می‌گردد که گرچه نفی قانون علیت بدیهی‌البطالان است، اما با ظهور فیزیک کوانتوم و طرد موجیبت کلاسیک در سطح اتمی و زیر اتمی، برخی محققان از رویدادهای اتمی به عنوان پدیده‌های بی‌علت سخن می‌گویند.

نقد و بررسی:

به نظر نگارنده با بررسی تفسیرهای مختلفی که از نظریه کوانتوم صورت گرفته - با فرض پذیرش این نظریه - طرفداران اصل عدم قطعیت به نوعی اصل علیت را پذیرفته‌اند و مراد آنان از «نامعلل» بودن این است که قوانین تخلف‌ناپذیری وجود ندارد که به کمک آنها بتوان آینده یک سیستم فیزیکی را از گذشته یا حال آن پیش‌بینی کرد.

۳.۱. هدفداری

عنصر هدفداری در تعریف نظم ابهام فراوانی دارد و برخی آن را مقید به قیودی کرده‌اند، به طور مثال هدف باید واقعی باشد و نه اعتباری و ارزشی. این قید به دو دلیل پذیرفته نیست:

۱. واژه «اعتباری» مشترک لفظی است ولی اگرحتی مراد از اعتباری، قراردادی هم باشد در نهایت بر اهداف واقعی مبتنی گردد (مانند پول). بنابراین یقین اعتباری به معنای ارزشی ریشه در واقعیت خواهد داشت و بنابراین هدف اعتباری نیز می‌تواند در مفهوم نظم لحاظ گردد.

و یا برخی هدف را مقید به امری معین نموده‌اند، اما این شرط نیز پذیرفته نیست. زیرا هدف داشتن تنها برای تحقق نظم در اجزاء مؤلف است و علم به هدف خاص داشتن اجزاء مؤلف، هرچند که هدف در میان چند چیز مشبه باشد، برای تحقق نظم کافی است.

۲. اقسام نظم

انحصار اقسام مختلف نظم در تقسیمات مذکور برای مفهوم نظم حصر عقلی نیست و گاه برخی از اقسام در یکدیگر تداخل دارند.

۲.۱. نظم زیبایی‌شناختی، علی، غایی

این تقسیم‌بندی را آلستون ذکر نموده و بیان کرده است که هر سه نوع نظم می‌تواند در براهین وجود خداوند به کار رود، اما نظم غایی مناسب‌ترین قسم در برهان نظم است. نوعی هم‌آهنگی و ارتباط دال بر طرح و نقشه در مجموعه‌های مؤلف طبیعی که طرفداران نظریه تکامل آن را از طریق انتخاب طبیعی و موتاسیون‌های اتفاقی و برحسب تصادف تبیین می‌کند ولی آلستون آن را به ناظمی هوشمند نسبت می‌دهد.

نقد و بررسی:

۱. نظم علی در سخن آستون بسیار مبهم است و صرف مقارنت و تعاقب کاشف از وجود مدبر نیست و علاوه بر این، نام‌گذاری نارساست.

۲. رابطه علی و معلولی در میان پدیده‌ها نوعی نظم است و نظم علی نیز می‌تواند مقدمه برهان قرار گیرد.

۳. اگر ادعا شود که اصل علیت نسبت به طرح و تدبیر هدفدار لابلشرط است و گرچه نظم بر علیت متکی است، علت داشتن این جهان به تنهایی مفسر نظم نیست. زیرا که بی‌نظمی نیز ناشی از علتی است. پاسخ می‌دهیم نفس علیت و نظم میان علت و معلول با نظم حاصل در خود «معلول» تفاوت دارد و نظم میان علت و معلول مصداقی از نظم به شمار می‌رود.

۴. در نظم زیبایی‌شناختی، اگر قائل باشیم که زیبایی امری ذهنی و درونی است. نمی‌تواند مقدمه برهان قرار گیرد زیرا در این صورت منظوم بودن جهان تابع ذهن انسان می‌گردد و وجود ناظم ضرورتی ندارد. اما ما قائلیم که زیبایی معقول ثانی فلسفی است و گرچه حس زیبایی امری درونی است و تفاوت انسان‌ها در ساختار درونی و اثرپذیری از خارج باعث اختلاف آنها در تشخیص مصادیق زیبایی می‌باشد، اما این اختلاف دلیل بر عدم واقعیت زیبایی نیست. انسان دو اثر از دو موثر مختلف را دریافت می‌کند و در مواجهه با دو موجود یکی را زشت و دیگری را زیبا می‌بیند. بنابراین واقعیت خارجی این دو شی با هم متفاوت است. البته زیبایی از کیفیات ثانوی اشیاء به حساب می‌آید.

۲.۲. نظم اعتباری، صناعی، تکوینی

از این سه قسم برخی تنها نظم تکوینی و از میان اقسام آن نوع داخلی و غایی را محور برهان نظم می‌دانند. ربط تکوینی از طریق وجود و سنجش با موجود خارجی و ایجاد ارتباطی وجودی منشأ انتزاع مفهوم نظم می‌گردد و خود بر سه قسم ربط و نظم علت فاعلی، ربط و نظم علت غایی، و ربط و نظم علت قوامی می‌باشد.

نقد و بررسی:

۱. به نظر می‌رسد برای خروج نظم صناعی وجه صحیحی ذکر نشده است و نظم صناعی در نهایت نظم واقعی است.

۲. نظم حاصل از علت فاعلی نیز می‌تواند مقدمه برهان قرار گیرد و این نظم، تنها نظم مکانیکی نیست که نقش خداوند را در حد «معماری بازنشسته» یا «ساعت‌سازی ناشی» تقلیل دهد. بلکه اصل علیت به مفهوم دقیق صدرایی، پیوندی علی و معلولی بین «وجود مستقل» و «وجود رابط» است که معلول نفس نیازمندی و تعلق به علت است و «اضافه‌ای اشراقی» و نه «معقولی» بین علت و معلول حاکم است.

۳.۲. نظم طبیعی و قسری

شهید مطهری می‌گوید: نظم طبیعی برخاسته از طبایع اشیاء و خواص اشیاء است که محور استدلال نظم است و خاصیتی اکتسابی و عاریتی نیست. تدبیری توأم با آفرینش که خالق به جعل بسیط نظم را نیز خلق می‌کند. و نظم قسری که در واقع همان نظم صناعی است نمی‌تواند مقدمه استدلال قرار گیرد.

نقد و بررسی:

۱. همان‌گونه که گفته شد نام نظم بر خواص طبیعی اشیاء اطلاق نمی‌شود.
۲. نظم طبیعی به نظر می‌رسد که همان نظم علی است که شهید مطهری خود اذعان دارد که نمی‌تواند مقدمه برهان نظم قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱. از آن‌جا که اجزاء داشتن و مؤلف بودن از ارکان مفهوم نظم است. خداوند به عنوان بسیط الحقیقه، مشمول امری منظم نیست که نیاز به ناظم داشته باشد و تسلسل پیش آید.
۲. گرچه متفکران معاصر بر آنند که برهان نظم را تنها بر تکیه بر نظم غایی تقریر نمایند پیشنهاد می‌شد که تمامی اقسام مذکور نظم می‌تواند محور برهان نظم قرار گیرد و ناظمی هوش‌مند را اثبات نماید و به نظر می‌رسد خروج نظم فاعلی و ربط فاعلی از برهان صحیح نیست. زیرا نفس علیت و نظم میان علت و معلول که با نظم خود معلول متفاوت است می‌تواند مصداقی از نظم باشد.
۳. سه عنصر اجزاء داشتن، هم‌آهنگی و هدفداری، هر یک شرط لازم و نه شرط کافی برای حصول نظم است.